



حضرت آیه الله مکارم شیرازی

گفتگو با چند تن از اساتید وفضلاء حوزه پیرامون شخصیت آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره

در آستانه سالگرد رحلت
فقیه اهل بیت عصمت و طهارت
حضرت آیه الله العظمی
گلپایگانی قدس سره نزد حضرات
آقایان: آیه الله مکارم شیرازی،
آیه الله احمدی گلپایگانی و حجة
الاسلام والمسلمین تویسرکانی
حضور یافتیم و با هریک بطور
جداگانه پیرامون ویژگیهای آن
فقیه نام آور گفتگویی داشتیم.

اتان در این زمینه به بخشی
از ویژگیهای آن مرجع بزرگ
اشاره نمودند که بمنظور آشنایی
بیشتر خوانندگان محترم با
شخصیت آن فقیه راحل متن این
گفتگوها را در اینجا می آوریم.

را زیارت کنم و به ایشان علاقه مند شوم. بطوری به ایشان علاقه پیدا
کردم که شبها پیاده از مدرسه حجّیه که محل سکونت ما بود به
مسجد حسین آباد بازار قم به نماز جماعت ایشان می رفتم و نماز
جماعت ایشان را به خیلی از نمازهای دیگر ترجیح می دادم و این به
خاطر آن آرامشی بود که در نماز ایشان احساس می کردم. بعدها که
ایشان درس خارج حجّ را در منزل خودشان شروع کردند من هم در
درشان شرکت می کردم و حتی مقداری از بحث ایشان را نوشتم.
فراموش نمی کنم که روزی ایشان کسی را دنبال من فرستادند. من
خدمتشان رفتم. این در زمانی بود که آیه الله العظمی بروجردی بر
حوزه جهان اسلام ریاست داشتند و مورد قبول همه بودند. ایشان

■ حضرت آیه الله! ضمن تشکر از حضرتعالی که وقت
خودتان را در اختیار مجله گذاشتید، تقاضا می کنیم در آغاز مصاحبه
چگونگی آشنایی خودتان را با فقیه اهل بیت عصمت و طهارت
حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره برای خوانندگان بیان
فرمایید:

□ ضمن آرزوی توفیق برای خوانندگان محترم مجله، در
رابطه با آشنایی خودم با آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره باید بگویم
که وقتی من در سال ۱۳۲۴ شمسی، یعنی حدود پنجاه سال پیش
برای ادامه تحصیل حوزوی وارد قم شدم، درباره قداست و تقوا
و علم ایشان چیزهای زیادی شنیده بودم و این سبب شد که من ایشان

به من فرمودند که در کتابهای درسی دانش آموزان نظریات داروین را مطرح می کنند و این در افکار آنها تأثیر گذاشته است؛ شما چیزی در این باره بنویسید تا ما اقدام به چاپ آن کنیم. من از اینکه ایشان در آن زمان به فکر این مسائل بودند خیلی لذت بردم و نوشته ای تهیه کردم و به ایشان دادم. ایشان با اطمینان خاطر می که حکایت از نفوذشان در قشرهای فرهنگی داشت و عده دادند که نسبت به چاپ آن اقدام کنند. این شاید اولین بار است که من این داستان را نقل می کنم و منتشر می شود. این گونه مسائل سبب می شد که روز به روز علاقه ام به ایشان بیشتر شود و همواره حتی شبهای آخر عمرشان از محضرشان استفاده کنم.

■ از تفکر علمی و ویژگیهایی که ایشان در زمینه بحث و تحقیق پیرامون مسائل فقهی داشتند مطالبی بیان فرمایید:

□ من در این زمینه به چهار نکته اشاره می کنم: اول اینکه ایشان به طور سطحی با مسائل برخورد نمی کردند؛ مسائل را به دقت مو شکافی می کردند و در آنها دقت نظر داشتند. از حواشی ایشان بر «عروة الوثقی» این دقت نظر کاملاً روشن می شود. دوم اینکه ایشان در مقام فتوا استقلال فکری داشتند. اصولاً فقیه باید تفکر مستقل داشته باشد و روی ریشه ها و دلایل اصلی بیندیشد. ایشان با وجود اینکه رای خودشان را با رای مشهور هماهنگ می ساختند ولی در مواردی که دلیل کافی وجود نداشت استقلال فکری خودشان را از دست نمی دادند و فتوای مورد نظرشان را ابراز می کردند که نمونه هایی از این قبیل در حواشی ایشان به چشم می خورد. سوم اینکه به مسائل و ابواب مختلف فقهی احاطه کامل داشتند و همین احاطه سبب می شد که به مسائل فقهی خوب پاسخ بدهند. علاوه بر این احاطه، ایشان از حضور ذهن هم برخوردار بودند. چهارم اینکه ایشان در مسائل فقهی سلیقه خوب و سالمی داشتند و این هم یکی دیگر از ویژگیهای فکری ایشان بود که به درسهایشان نورانیت و عمق و جاذبه می داد.

■ روش ایشان در استنباط احکام فقهی چگونه بود؟

□ ما دو نوع فقه داریم: یکی فقه سنتی جواهری است که امام (قدس سره الشریف) بر آن تکیه می کردند، و دیگر نوعی تفکر التقاطی که مسائل فقهی با مسائل خارج از فقه بطور ناهماهنگ با هم تلفیق می شوند و سلیقه های شخصی جانشین استدلالهای علمی می شود. ایشان درست بر اساس همان فقه سنتی خالص حرکت می کردند و هرگز سلیقه های شخصی و تفکرات التقاطی در ایشان

تأثیر نمی گذاشت. وقتی انسان درس و فتوای ایشان را می دید، خود را در محیط فقه صاحب جواهر می یافت و تصور می کرد که ایشان با همان شیوه که از سلف صالح به ما رسیده است فتوا می دهند.

■ چون معظم له از بدو تأسیس حوزه علمیه قم، در قم حضور داشتند و به مسائل مربوط به حوزه کاملاً آشنا بودند، لطفاً دیدگاه های ایشان را در مورد حوزه و جایگاه آن و نیز رسالت و استقلال حوزه بیان فرمایید.

□ مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی اهمیت زیادی به حوزه می دادند و به تمام معنی دلسوز حوزه بودند. من داستانی را از شبهای آخر عمرشان دارم و آن این است که با عده ای از دوستان در شورای عالی حوزه، خدمتشان رسیدیم و گزارشی از کارهای حوزه را به ایشان دادیم. ایشان هم با کمال دقت گوش می دادند. پس از آنکه گزارش ما تمام شد، رهنمودهایی دادند و ما از محضرشان بیرون آمدیم. من دیدم آقا زاده ایشان مرا صدا می زد و می گوید: «آقا با شما کاری دارند.» برگشتم و خدمتشان آمدم، ایشان فرمودند: کاری کنید که استقلال حوزه محفوظ بماند و من دلم می خواهد استقلال حوزه باقی و برقرار باشد. بعد دیدم اشکهایشان جاری شد. احساس کردم که برای حوزه دلسوزی می کنند و مثل کسی که احساس می کند روزهای آخر عمرش رسیده و یاغی را به ثمر نرسانده و نهالهای زیادی را غرس کرده و می خواهد برود و از آنجا نگران است که مبادا مشکلی برای آن پیش بیاید، در اندیشه حفظ حوزه هستند. من هم خدمت ایشان عرض کردم که بنده به سهم خودم که یک نفر هستم تا زنده ام تلاش و کوشش می کنم که انشاء الله آنچه را که نظر حضرت تعالی است در حفظ حوزه رعایت کنم.

■ اگر ممکن است بعضی از ویژگیهای اخلاقی ایشان را برای خوانندگان مجله بیان فرمایید.

□ ایشان ویژگیهای اخلاقی بسیاری داشتند که من به چند نمونه از آنها اشاره می کنم:

۱- نسبت به اهل بیت علیهم السلام علاقه فوق العاده ای داشتند و این بر هیچ کس پوشیده نبود. در هر دو بُعد تولی و تبری محکم بودند و توسلّاتی داشتند و اگر به گوشه ای از مکتب اهل بیت ضربه ای می خورد خیلی پریشان و ناراحت می شدند و واقعاً به تمام معنی مدافع مکتب اهل بیت بودند. من این را با تمام وجودم از ایشان احساس کردم.

۲- نسبت به طلاب دلسوز بودند و طلاب را فرزندان خود

می کردند و درد را تحمل می نمودند. در دوران انقلاب، موضعی که ایشان در برابر انقلاب داشتند حمایتی که از امام راجح ترسره کردند و خط مستقیمی که ادامه دادند همه نشانگر سعه صدرشان در برخورد با مسائل گوناگون بود.

۴- طبعی لطیف و زیبا داشتند. گاهی بعضی از مسائل که پیش می آمد، ایشان با یک طنز بسیار ظریف و زیبا، جواب را از همان طریق می دادند و طبع لطیف خودشان را ابراز می داشتند.

۵- در حد بسیار بالایی تقوا داشتند. تقوای ایشان، انسان را به یاد تقوای بزرگان سلف می انداخت. حاضر نبودند بخاطر چیزی از اسلام و دین صرف نظر کنند. وقتی بر سر دو راهی قرار می گرفتند همه چیز را در مقابل حفظ دین و اسلام نادیده می گرفتند و می گفتند: هر چه بادا باد! من باید تقوا و دین اسلام را حفظ کنم. رضوان خدا بر او باد که هم حیاتش مایه برکت برای اسلام بود و هم ممات و تاریخ پر برکتش مایه برکت برای اسلام و جامعه مسلمین است.

می دانستند؛ اگر خطایی از آنها سر می زد اغماض می کردند؛ مشکلات آنها را تا آنجا که امکان داشت حل می کردند و اگر رهنمودی می خواستند آنها را راهنمایی می کردند. نشانه این دلسوزی و حل مشکلات، مدارس متعددی است که ایشان برای طلاب ساختند مخصوصاً آن مدرسه بزرگ با آن مدرسهای زیاد که طلاب موقع درس و مباحثه سرگردان نباشند. همچنین کتابخانه و بیمارستانی که به این منظور تأسیس کردند.

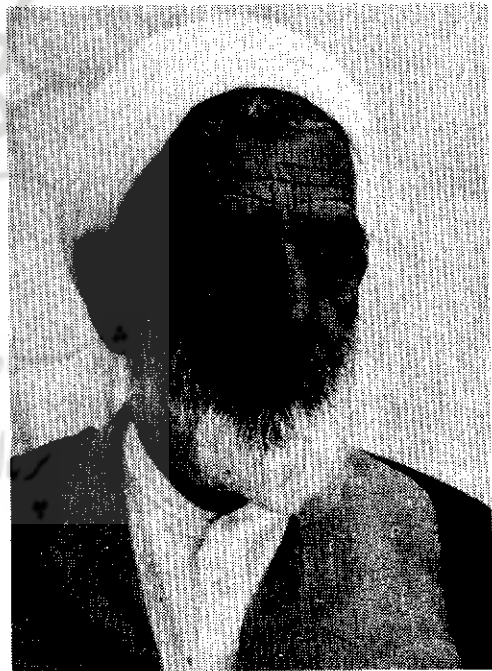
۳- از تحمل و بردباری زیادی برخوردار بودند. در طول عمرشان ناراحتیهای فراوانی برای ایشان به وجود آمد ولی همه را با سعه صدر تحمل کردند و ما می دانیم یکی از شرایط مدیریت و ریاست، داشتن سعه صدر است و این خصلت در ایشان وجود داشت. من فراموش نمی کنم که یک وقتی ایشان دچار بیماری بسیار شدیدی شدند بطوری که از شدت درد به خود می پیچیدند. به ملاقات ایشان رفتم، دیدم با آن حالت باز هم از مردم استقبال



■ نطفاً آغاز و چگونگی آشنایی خودتان با حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی ترسره را برای خوانندگان مجله شرح دهید.

□ آشنایی اینجانب با حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی به دوران کودکی و نوجوانی من برمی گردد، چون ما با ایشان نسبت داشتیم و والده اینجانب با حضرت آیه الله عموزاده هستند. اما آشنایی علمی و اجتماعی من با معظم له به سالهای ۱۳۲۱ برمی گردد که وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از مدتی در مجلس درس آن بزرگوار - که آن زمان در مدرسه دارالشفاء کفایه را تدریس می کردند - حضور یافتیم و این افتخار شاگردی ادامه یافت تا اینکه بخش عمده ای از خارج فقه و اصول را هم از محضرشان استفاده کردم. بعد از ورود به اراک نیز نمایندگی ایشان را به عهده داشتم و همواره از نظر علمی و فعالیت های مذهبی و حوزوی و امور دیگر با ایشان رابطه همیشگی داشتم و از راهنماییهایشان بهره ور بودم.

■ شما بعنوان یکی از شاگردان ایشان، اگر ممکن است روش تدریس و ویژگیهای فقهی آن بزرگوار را بطور فشرده ترسیم کنید.



حضرت آیه الله
احمدی گلپایگانی

□ سبک تدریس ایشان سبک خاصی بود، چه از جهت ورود به بحث و چه از جهت دسته بندی مطالب و چه از جهت خروج از بحث، که توضیح هر کدام فرصت زیادی می خواهد، اما آنچه اینجا می توانم بگویم این است که ایشان تدریس را عبادت می دانستند و به همین جهت با طهارت و اخلاص و انجام نماز مستحبی قبل از تدریس، وارد بحث می شدند که اینها بسیار آموزنده است و نشانگر این واقعیت که: «العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء». در حقیقت ایشان دو تدریس می کردند: یکی تأمل و تحقیق گسترده در مطلب مورد بحث، و دیگر تدریس عملی و اخلاقی که عجیب اثر می گذاشت. اینجانب با اینکه سالها افتخار شاگردی ایشان را داشتم، برای نمونه هرگز تندى و اهانت و عصبانیت در بحث و پاسخوری به اشکال شاگردان و فضیلاى بحث از ایشان ندیدم، بلکه بعکس با کمال بردباری به اشکالات گوش می دادند و به آنها پاسخ می گفتند. یکی دیگر از ویژگیهای آن مرد بزرگ این بود که همواره مشوق واقعی طلاب بودند. مدتها در بیت خودشان روزهای پنجشنبه و جمعه می نشستند و علاقمندان از فضلا و طلاب به حضورشان شرفیاب می شدند و با سؤال و جوابهای فقهی و اصولی، هر کدام را به نوعی امتحان می کردند و رهنمودهای لازم را می دادند. ایشان همواره سعی می کردند شاگردان حوزه علمیه، حرّ و آزاده باشند و به خود اعتماد داشته باشند. راضی نمی شدند که طلبه ای رهین منت دیگران باشد. من خوب به خاطر دارم که یکی از بازارهای قم - آن روزها که تشرّف به زیارت امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام از نظر هزینه برای طلبه ها مشکل بود - به من پیشنهاد کرد که هزینه سفر به مشهد را به صورت قرض الحسنه دراز مدت در اختیار من قرار دهد تا من مشرف شوم، من با حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی مشورت کردم، فرمودند: صلاح نمی بینم. طلبه ای که ممکن است در اثر تلاش و علم و عمل در آینده شخصیتی شود و برای اسلام و جامعه مفید باشد خود را رهین این جزئیات کند تا وقتی به جایی رسید و منشأ اثر گردید آن فرد سبز شود و به او بگوید: به یاد داری که من خرج سفر زیارت شما را به عنوان قرض الحسنه یا هدیه دادم؟ و آن را به رخ او بکشد، و بعد خودشان داستانی

مثل همین داستان را که میان ایشان و مرحوم آیه الله العظمی حائری ندری مؤسس حوزه علمیه قم اتفاق افتاده بود نقل کردند و فرمودند: مرحوم حاج شیخ هم همین جواب را به من داد که من به شما دادم.

■ به نظر شما مهمترین بُعد شخصیت آن مرجع بزرگ چه بود؟
□ به نظر من مهمترین بُعد شخصیت ایشان در این محورها بیشتر تجلی داشت:

۱- جنبه فقهاتی و استقامت فکر ایشان در تفریع فروع بر اصول و قواعد، و حضور ذهن ایشان.

۲- اهمیت دادن به رسالت جهانی اسلام و تلاش برای معرفی اسلام به سراسر جهان تا سرحد قدرت و امکاناتی که در اختیار داشتند. گواه روشن آن، مؤسسه های علمی و تحقیقی و قرآنی و دینی است که از ایران گرفته تا اروپا به امر ایشان تأسیس گردید. همچنین ایجاد تحول در حوزه ها و اداره مساجد و مراکز دینی در بسیاری از شهرها و ساختن پایگاه برای مبلغ و عالم شهر که بتواند وظایف خود را به خوبی انجام دهد.

۳- تعبد و تقید ایشان که زیانزد خاص و عام است، از انجام فرایض گرفته تا نوافل و زیارتها و دعاها، و اهمیت دادن به مقام والای خاندان عصمت و طهارت و گرامیداشت روزهای ولادت و شهادت آنها.

۴- هوشیاری و مرزبانی از اسلام در برابر اشتباهات و انحرافات یا بدعتها که به هر صورت ممکن امر به معروف و نهی از منکر می کردند و نمونه های آن را می توانیم در اعلامیه های ایشان در طول انقلاب مطالعه کنیم.

■ آیه الله العظمی گلپایگانی ندری در زندگانی از موفقیت فراوانی برخوردار بودند، به نظر شما رمز این موفقیت چه بوده است؟

□ رمز موفقیت ایشان در زندگی را در چند چیز می توان خلاصه کرد:

۱- همیشه کارها را برای خدا انجام می دادند و به دیگران هم سفارش می کردند که هر کاری را برای خدا انجام دهند و همواره

خدمت دولت قرار گرفتند، من از آیه الله العظمی گلپایگانی پرسیدم شما در برابر این مشکل چه می کنید؟ ایشان جواب دادند: همین قدر بدان من تا آنجا که بتوانم زندگیم را حتی با روزی یکی دو ساعت کار آبرومندانه اداره کنم زیر بار زور و ناحق نمی روم.

۴- از توکل و اعتماد به خدا برخوردار بودند.

۵- نظم را در کارها مراعات می کردند. یکی از جلوه های این نظم، مدارسی بود که ایشان برای اولین بار در حوزه علمیه با برنامه های خاصی همراه با امتحانات درسی برقرار نمودند.

۶- در حل اختلافات و رفع مشکلات، درایت و متانت و برخوردی منصفانه داشتند. من به یاد دارم که در زمان مرحوم آیه الله العظمی بروجردی به امر ایشان موظف شدند مشکلات و گاه اختلافات در حوزه را حل کنند و در این کار موفق هم بودند.

خشنودی خدا را در نظر داشته باشند. معتقد بودند که اگر حوزه های علمیه و مردم با ایمان به مسؤولیتهای خودشان در برابر دین خدا خالصانه عمل کنند، خدا هم بهترین مصلحت را برای آنان نازل می کند.

۲- آن بزرگوار مرد عمل بود، و این به نظر من - با توجه به آیات و روایات - خلق و خوی بزرگی است، چون قرآن نجات آنها را در گرو عمل شایسته ای می داند که برخاسته از ایمان و عقیده درست باشد.

۳- در کارها استقامت و پایداری داشتند و در راه خدا همه مشکلات را به جان می خریدند. یکی از دوستان اهل علم نقل می کرد که وقتی در زمان رضاخان مسئله اتحاد شکل در لباس مطرح شد و بعضی از معتمنین زیر فشار استبداد تغییر لباس دادند و در



■ ضمن تشکر از شما که وقت خودتان را در اختیار مجله گذاشتید، از حضرتعالی بعنوان یکی از شاگردان آیه الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) که سالهای متمادی در درس ایشان شرکت می نمودید تقاضا می کنیم چگونگی آشنایی خودتان را با معظم له برای خوانندگان بیان فرمایید.

□ با سپاسگزاری از شما و آرزوی سعادت دنیا و آخرت برای خوانندگان عزیز، در رابطه با آشنایی با حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) باید عرض کنم که آشنایی من با ایشان، بعد از رحلت حضرت آیه الله العظمی بروجردی (قدس سره) بود. استاد معظم پس از ارتحال آیه الله العظمی بروجردی درس خارج خود را در مسجد بالاسر حضرت معصومه سلام الله علیها قرار دادند و من هم در دروسشان شرکت می کردم و از محضر پرفیضشان بهره مند می شدم. گاهی در جلسه درس مطلبی از ایشان سؤال می کردم یا اگر اشکال و ایرادی مطرح می کردم و از ایشان جواب دریافت می داشتم. این سبب آشنایی من با ایشان شد و بعداً هم که محل درس را تغییر دادند و در شبستان مسجد اعظم مقابل کتابخانه تدریس می



حجة الاسلام والمسلمین رضوی تویسرکانی

کردند باز هم با ایشان از این طریق ارتباط و آشنایی داشتم.

■ لطفاً محور تدریس و ویژگیهای درسی آن فقیه بزرگ را برای ما شرح دهید.

□ محور تدریس معظم له کتاب «شرایع الاسلام» بود که در شرح آن، مطالب «جواهر الکلام» را متعرض می شدند و روی مسائل آن خیلی دقت می کردند و بعضی از عبارات جواهر را که فهم آن برای بعضی از شاگردان مشکل بود از روی کتاب می خواندند و کاملاً توضیح می دادند. و اما ویژگیهای درسی ایشان این بود که در هر مسئله ای اوگ فتوای فقها را بیان می کردند و بعد برای اثبات مطلب مورد نظرشان آیات مربوطه را با تفسیر کامل آن و سپس روایات مربوطه را به تفصیل متعرض می شدند و مقتضای اصل را هم در صورت نبودن دلیل بیان می کردند. ایشان به فتوای مشهور، فوق العاده اهمیت می دادند و می گفتند: گمان قوی بر این است که برای آنها قرائتی وجود داشته که برای ما وجود ندارد.

■ از آنجا که معظم له از آغاز تأسیس حوزه علمیه قم در کنار بنیانگذار آن، حضرت آیه الله حائری (قدس سره) بودند و به مسائل مربوط به حوزه آشنایی کامل داشتند، تقاضا می کنیم دیدگاه های ایشان را در مورد حوزه و جایگاه آن و نیز رسالت حوزه بیان فرمایید.

□ نظر معظم له درباره حوزه های علمیه خصوصاً حوزه علمیه قم این بود که حوزه ها باید حفظ و تقویت شوند و روز به روز رونق بیشتری پیدا کنند. به دروس حوزوی عنایت کامل داشتند و تأکید می کردند که طلاب و فضیای محترم در برنامه درس و تدریس خود جدی باشند و خودشان همین گونه بودند و نسبت به تدریس عنایت خاصی داشتند و اصولاً تعطیلی در دروس ایشان بسیار کم بود حتی بعضی از اوقات که هوا بسیار سرد و برفی بود ایشان برای درس می آمدند و همیشه - جز در بعضی از موارد ضروری - تدریس را بر کارهای دیگر مقدم می داشتند. برای رشد علمی شاگردان و تشویق آنان به کسب قدرت اجتهاد، از آنها می خواستند در مسائلی که مشکل به نظر می رسید مطالعه کنند و نظرات فقها را ببینند و نظریه خود را بنویسند و به ایشان ارائه دهند. من سه مورد را به یاد دارم که

ایشان چنین پیشنهادی را دادند یکی درباره مسئله تیمم بود و دیگر درباره حد اکثر زمان حیض و سونم درباره عصیز عینی، که بسیاری از شاگردان، مطالب و نظریات خود را نوشتند و به استاد معظم ارائه دادند و من هم درباره هر یک از مسائل مزبور مطالبی نوشتم و به نظر مبارك استاد رساندم.

■ اگر ممکن است بعضی از ویژگیهای اخلاقی ایشان را برای خوانندگان مجله بیان فرمایید.

□ ویژگیهای اخلاقی معظم له بسیار است که من به چند ویژگی اشاره می کنم:

۱- همواره در فکر رفع گرفتاریهای مردم و طلاب بودند و در مواردی که اطلاع پیدا می کردند در حد توان اقدام مناسب را داشتند.

۲- از قاطعیت برخوردار بودند. در زمانی که حضرت آیه الله العظمی امام خمینی (قدس سره) در تبعید بودند اعلامیه های حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی آن چنان قاطع بود که هر خواننده ای را شگفت زده می ساخت و لرزه بر اندام دشمنان می افکند.

۳- در برابر حق تسلیم بودند. اگر کسی در جلسه درس اشکال می کرد و ایشان جواب می دادند، چنانچه بعداً اشکال به نظرشان صحیح می آمد، به اشکال کننده می فرمودند: آنچه شما گفتید حق است. روزی در جلسه درسشان روایتی را مطرح کردند و بعد از اینکه آن را توضیح دادند، گفتند: جمله آخر روایت از شیخ صدوق است. من به ایشان گفتم: به نظر می رسد که این جمله تنمّه روایت باشد، ایشان قبول نکردند، ولی روز بعد وقتی قبل از درس خدمتشان رسیدم، گفتند: حق با شماست، و این مطلب را در جلسه درس هم توضیح دادند.

۴- به خواندن نماز تحیّت مسجد مقید بودند بطوری که هر روز که برای درس به مسجد می آمدند، قبل از شروع درس، اوگ نماز تحیّت مسجد می خواندند و بعداً درس را شروع می کردند.

۵- در برابر همه تواضع و فروتنی داشتند.